

کاربست تحلیل روایت در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی

(مورد مطالعه: ائتلاف‌های روایت خط‌مشی پوشش در ایران پس از ۱۴۰۱)

حمیدرضا فتحی^۱ سید محمدحسین هاشمیان^۲ محمدهادی شریعتی^۳

چکیده

جهان امروز شاهد چرخشی راهبردی از نبردهای سخت‌افزاری و تصرف خاک به‌سوی منازعات شناختی و تصرف ذهن است. با این حال، مواجهه با این پدیده اغلب به لایه‌های سطحی محدود مانده و از عرصه مهم روایت‌های سیاستی غفلت شده است. مصداق بارز این وضعیت، چالش‌های خط‌مشی‌گذاری حجاب پس از ۱۴۰۱ است که در آن «روایت خط‌مشی» نقشی محوری در انحراف نتایج سیاست‌ها داشته است. این پژوهش با هدف واکاوی این لایه‌های پنهان، در چارچوب تحلیل روایت خط‌مشی و به روش کیفی و تحلیل مضمون انجام شده است. یافته‌ها نشانگر دو دسته روایت اصلی (مخالف و موافق قانونی بودن حجاب) است که هردو برای اثرگذاری بر تصمیم‌سازی، از روایت‌سازی خاص خود بهره می‌برند؛ روایت‌های مخالف با استراتژی «توسعه دامنۀ موضوع»، حجاب را به بحران‌های ساختاری و ناکارآمدی سیستم پیوند زده و با «شیطان‌سازی حاکمیت» و «فرشته‌پنداری نخبگان» (در دسته اول روایت‌ها) یا زنان (در دسته دوم روایت‌ها)، تصویری از جامعه‌ای آشفته ترسیم می‌کنند. روایت‌های موافق نیز با توسعه دامنۀ موضوع، حجاب را از امری فردی به مؤلفه‌ای تمدنی و هویتی ارتقا داده و ضمن «شیطان‌سازی دشمنان»، به «فرشته‌سازی زنان یا حاکمیت» می‌پردازند. هر دو جریان با بهره‌گیری از روایت، می‌کوشند نگرش و چارچوب تفسیری خاص خود نسبت به مسئله را به‌مثابه یک خط‌مشی به مخاطب القا کنند. به همین جهت، موفقیت خط‌مشی‌گذار منوط به عبور از نگاه‌های قشری و درک دقیق جنگ روایت‌ها در لایه‌های پنهان است تا بتواند در برابر مهندسی افکار عمومی کنشگری مؤثر داشته باشد.

■ واژگان کلیدی

خط‌مشی‌گذاری فرهنگی؛ خط‌مشی حجاب؛ حجاب؛ چارچوب تحلیل روایت خط‌مشی

۱. کارشناسی ارشد رشته مدیریت راهبردی فرهنگ، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام؛ نویسنده مسئول h.r.fathi@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

۳. استادیار دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶

بیان مسئله

در دنیای امروز، ماهیت درگیری‌ها تغییر کرده و شاهد چرخشی راهبردی از جنگ‌های نظامی و سخت، به نبردهای شناختی و «جنگ روایت‌ها» هستیم. در کشور ما نیز، به‌ویژه پس از وقایع سال ۱۴۰۱، چالش‌های فرهنگی در حوزه پوشش بانوان شدت گرفته است. اگرچه حاکمیت براساس وظایف قانونی و شرعی خود، نمی‌تواند نسبت به این مسئله بی‌تفاوت باشد، اما شواهد موجود نشان می‌دهد که خطمشی‌گذاری‌ها در این زمینه ناکارآمد بوده و این اختلاف در خطمشی و عدم هماهنگی درونی یا میان خطمشی‌ها، باعث انحراف نتایج حاصل از آن‌ها در هر سه بخش خروجی، پیامد و اثر خطمشی می‌شود (قلی‌پور، دانایی‌فرد، امیری، و عطاردی، ۱۳۹۴). با این حال، رویکرد غالب در مواجهه با این پدیده پیچیده تنها به لایه‌های قشری و برون‌دادهای آن محدود می‌گردد و از واکاوی لایه‌های پنهان ذهنی و داستان‌های نانوشته‌ای که در پس‌زمینه تصمیمات خطمشی‌گذاران وجود دارد غفلت صورت می‌گیرد.

یکی از حیاتی‌ترین عرصه‌هایی که جنگ روایت‌ها در آن جریان دارد، حوزه خطمشی‌گذاری است؛ جایی که روایت‌های رقیب تلاش می‌کنند تا با اثرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌سازی و قانون‌گذاری، جهت‌گیری‌های کلان جامعه را تغییر دهند. اندیشمندان علوم خطمشی‌گذاری برای مطالعه خطمشی‌های ملی، از چارچوب‌های متفاوتی استفاده می‌کنند.

ازجمله مهم‌ترین چارچوب‌ها که می‌توان به‌وسیله آن‌ها یک خطمشی را تحلیل کرد عبارت‌اند از چارچوب جریانات چندگانه کینگ دون^۱، چارچوب تعادل گسسته^۲، ائتلاف مدافع^۳ و ... اما علاوه بر رویکردهای جاری، امروزه به‌وضوح پیداست که بازیگران با هدف تحت‌تأثیر قرار دادن افکار عمومی و تغییر خطمشی، از داستان و روایت بهره می‌برند، تا جایی که می‌توان «روایت خطمشی»^۴ را یکی از مؤلفه‌های قدرت در جامعه خطمشی^۵ قلمداد کرد. فهم تغییرات اجتماعی علاوه بر اینکه نیازمند شناسایی و تحلیل ساختارهای اجتماعی قدرت است، نیازمند توصیف و تحلیل داستان‌ها، نمادها و تصاویر به‌وجودآورنده این تغییرات نیز هست. تصمیم‌گیران و خطمشی‌گذاران در خلأ تصمیم نمی‌گیرند، بلکه در پس‌زمینه تصمیمات آن‌ها، داستان‌ها و روایت‌های پنهانی وجود دارد

1. Multiple Streams Framework
2. Punctuated Equilibrium Framework
3. Advocacy Coalition Framework
4. Policy Narrative
5. Policy Community

که جهت‌گیری‌های آن‌ها را می‌سازد. این داستان‌های پنهان نقش بسیار مهمی دارند، چراکه تعیین می‌کنند مسئولین مشکل را چگونه تعریف کنند و چه راه‌حلی را مناسب بدانند. این پژوهش تلاش دارد تا مبتنی بر یک چارچوب علمی مشخص، سطح تحلیل «جنگ روایت‌ها» در مسئله پوشش را از لایه‌های ظاهری فراتر برده و آن را به لایه‌های متنی و عمیق‌تر، یعنی حوزه خطمشی‌گذاری سوق دهد. لازم به ذکر است که هدف این پژوهش احصای تمامی روایت‌های موجود در این حوزه یا دستیابی به جامع‌نگری نبوده است؛ بلکه تلاش بر این بوده با استخراج و بررسی تعدادی از اسناد منتخب و مرتبط، ماهیت این منازعه و چگونگی بازنمایی آن در متن سیاست‌ها به تصویر کشیده شود تا از این رهگذر، بتوان تصویری روشن از تقابل روایت‌ها در فرایند خطمشی‌گذاری ارائه نمود.

پیشینه پژوهش

مطالعات تعامل رسانه و خطمشی‌گذاری، در دو رویکرد کلان قابل تفکیک‌اند: رویکرد تأثیرات رسانه که بر اثرگذاری رسانه بر افکار عمومی و تصمیمات نهادهای سیاسی متمرکز است، و رویکرد مبتنی بر نظریات علم خطمشی که به شناسایی عوامل تغییرات خطمشی و نقش رسانه در اولویت‌گذاری، مقبولیت‌بخشی و اجرای خطمشی‌ها می‌پردازد. پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد دوم و با تکیه بر «تحلیل روایت خطمشی»، تغییرات خطمشی را از منظر روایت‌ها و با بهره‌گیری از نظریه‌های نقد ادبی معاصر بررسی می‌کند.

● نیما پروین و دیگران، در مقاله خود (پروین، فانی، دانایی‌فرد، و نیری، ۲۰۲۲)، معرفی «چارچوب تحلیل روایت خطمشی»^۱ را به‌عنوان یکی از چارچوب‌های جدید در مطالعه خطمشی عمومی، برای نخستین بار به جونز و مک‌بث^۲ نسبت داده است. این پژوهش با تمرکز بر بحران کرونا، به بررسی چالش خطمشی‌گذاران ایرانی در مدیریت این پدیده از طریق روایت‌پردازی می‌پردازد. این مطالعه با استفاده از چارچوب تحلیل روایت خطمشی و روش تحلیل مضمون، گزاره‌های سیاستی استخراج‌شده از سخنان مقامات ارشد را بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که دستگاه خطمشی‌گذاری، برای توجیه تصمیمات خود از چهار کلان‌روایت «کنترل بیماری با کاهش فعالیت‌ها»، «تداوم فعالیت‌ها با ملاحظات اقتصادی»، «مقابله با تحریم» و «تولید دانش‌بنیان» بهره برده است. این روایت‌ها با شخصیت‌پردازی (قهرمان، شرور و قربانی) و استراتژی‌های روایی، مسائل فنی را به باورهای جامعه پیوند زده و مقبولیت سیاست‌ها را افزایش داده‌اند.

1. Policy Narrative Framework

2. Jones & McBeth

• نجم‌الهدی و یزدانی، در مقاله خود (نجم‌الهدی و یزدانی زازانی، ۲۰۲۱)، به معرفی و تبیین «چارچوب تحلیل روایت خطمشی» می‌پردازد. این مطالعه بر مبنای نظری این چارچوب استوار است که با پذیرش برساخته بودن واقعیت‌های اجتماعی، روایت‌ها دارای ساختاری مشخص شامل شخصیت‌ها (قهرمان، ظالم و قربانی)، روند وقایع و پیام اخلاقی هستند و بر استراتژی‌های روایی مانند شیطان‌سازی و فرشته‌خویی برای مهندسی افکار عمومی تأکید دارند. روش این تحقیق یک مطالعه مروری و تبیینی است که گام‌های عملیاتی اجرای این چارچوب، از جمله سطوح تحلیل (خرد، میانه و کلان) (شاناهان، جونز، مک‌بث، لین، ۲۰۱۳) و روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها نظیر تحلیل محتوا، کدگذاری عینی و تحلیل شبکه را تشریح می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد این چارچوب به‌عنوان پلی میان پارادایم‌های متضاد، امکان سنجش رابطه علی میان روایت‌ها و خروجی‌های خطمشی را فراهم می‌آورد، به‌طوری که تحلیل روایت‌ها در حوزه‌هایی چون انرژی هسته‌ای اثبات می‌کند غلبه یک روایت خاص در فضای عمومی، بر قوانین وضع‌شده و جهت‌گیری سیاست‌های عمومی تأثیر می‌گذارد.

• غلام‌پور در مقاله خود، (غلام‌پور راد، ۲۰۱۵)، واکاوی مکانیسم اثرگذاری رسانه‌ها بر پویایی‌های خطمشی‌گذاری عمومی را بررسی کرده است. این مطالعه بر تلفیق نظریه چارچوب‌بندی و چارچوب تحلیل روایت خطمشی استوار است؛ جایی که رسانه از طریق خلق قاب‌های ذهنی، بر پی‌رنگ‌های روایی و تصمیمات خطمشی‌گذاران تأثیر می‌گذارد. روش تحقیق، موردکاوی با تحلیل محتوا و تکنیک سری‌های زمانی است که در آن، بیش از چهار هزار واحد محتوایی مرتبط با سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها در یک بازه چهارساله بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد بین چارچوب‌های رسانه‌ای و تغییرات در روایت‌های رسمی خطمشی رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌ها ثابت می‌کنند رسانه‌ها با برجسته‌سازی مضامین خاص، روایت‌های دولت و مجلس را بازتعریف کرده‌اند، به‌طوری که غلبه چارچوب‌های انتقادی در رسانه‌ها، به تغییر در اجرا، اصلاح قوانین یا تلاش برای جلب مقبولیت اجتماعی منجر شده است.

• در مقاله دیگری، (امیری، فرهنگی، پورعزت، و غلام‌پور راد، ۲۰۱۲)، امیری با هدف ارتقای پویایی فرایند خطمشی‌گذاری، به شناسایی عوامل تغییر در این فرایند، از طریق چارچوب تحلیل روایت خطمشی می‌پردازد. این مطالعه به این مسئله می‌پردازد که چگونه روایت‌های متولیان بر مراحل چرخه خطمشی‌گذاری اثر می‌گذارد و منجر به تغییر در خروجی‌های سیاستی می‌شوند.

در این تحقیق، خطمشی‌گذاری عرصه‌ای برای رقابت داستان‌هایی است که با شخصیت‌پردازی، به واقعیت‌ها معنا می‌بخشند. روش این تحقیق، موردکاوی با تحلیل محتوای روایتی است که طی آن، بیش از هفت هزار داستان خبری مرتبط با هدف‌مندی‌سازی یارانه‌ها در بازه ده‌ساله (۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱) واکاوی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد دستگاه خطمشی‌گذاری برای جلوگیری از ناکامی در اجرا، دو پی‌رنگ جدید «خطمشی بدون ابهام» و «خطمشی قابل اجرا» خلق کرده است. نتایج ثابت می‌کند روایت‌های رسانه‌ای با برجسته‌سازی ابهامات، به ابزاری برای نفوذ بر تصمیم‌گیران تبدیل شده و مسیر کلان‌سیاست‌های اقتصادی را بازتعریف کرده‌اند.

تمرکز پژوهش‌های یادشده عمدتاً بر مبانی نظری، حوزه‌های اقتصادی و مدیریت بحران معطوف است، چنان‌که مطالعه نجم‌الهدی و یزدانی (۲۰۲۱) بر تثبیت زیربنای روش‌شناختی استوار بوده و پژوهش‌هایی نظیر غلام‌پور (۲۰۱۵) و امیری (۲۰۱۲) کاربرست این چارچوب را در سیاست‌های توزیعی و تأثیر رسانه‌ها آزموده‌اند. همچنین، پروین و همکاران (۲۰۲۲) به کارکرد مشروعیت‌بخشی روایت‌ها در کرونا پرداخته‌اند. باین‌حال، خلأ آشکاری در کاربرست تحلیل روایت در حوزه «خطمشی پوشش و حجاب» مشهود است، چراکه ماهیت این خطمشی عمیقاً با لایه‌های هویتی و دینی گره خورده و سازوکارهای روایی آن متفاوت است. از این‌رو، پیشینه‌های موجود برای تبیین پیچیدگی‌های روایی حوزه فرهنگ کفایت نمی‌کنند و نیاز به پژوهشی مستقل در این بستر احساس می‌شود.

چارچوب مفهومی پژوهش

روایت

درباره روایت تعاریف متعددی ارائه شده است. در شکل‌گیری نظریه‌های نوین روایت‌شناسی، شش چهره نقش‌آفرین بوده‌اند: پراب، بارت، تودوروف، ژانت، گرماس و برمون (آقایی میبیدی، ۱۳۹۲). در تعریفی آمده است روایت یکی از اشکال چهارگانه خلق نوشتار (در کنار بحث، توصیف و تفسیر) است (فتوحی، ۱۳۷۸). در تعریفی کلی، روایت داستانی است که در قالب دلخواه (نوشتار، گفتار، تصویر و ...) سامان یافته و صحنه‌ای واقعی یا خیالی را توصیف می‌کند (رودی، ۱۳۸۹). انسان‌ها دریافت خود از زندگی را براساس روایت‌هایشان می‌سازند و داستان‌ها در افق رخدادهای جدید بازسازی می‌شوند (رودی، ۱۳۸۹). چپستی روایت را جز از طریق کارکردش نمی‌توان دریافت؛ زندگی ما عمیقاً در روایت‌ها غوطه‌ور است و از ابتدا تا انتهای عمر، وقایع را در قالب روایت دریافت می‌کنیم (آقایی، ۱۴۰۰).

چارچوب تحلیل روایت خطمشی

فارغ از مدل‌های مختلف در مطالعه خطمشی، در نگاهی کلان می‌توان این مدل‌ها را به صورت طیفی از اثبات‌گرایی تا پس‌اثبات‌گرایی دسته‌بندی کرد. (اسمیت، لایمر، ۲۰۱۸) از سال ۲۰۰۴، چارچوب تحلیل روایت خطمشی در واکنش به انتقادهای رویکردهای فرااثبات‌گرایانه توسعه یافت (امیری و همکاران، ۲۰۱۲). این چارچوب که برگرفته از رویکردهای پس‌اساختارگرایانه است، در سال ۲۰۰۴ توسط مکبث و شاناهان پیشنهاد و در مقاله جونز و مکبث معرفی شد. چارچوب تحلیل روایت خطمشی به فرایند خطمشی‌گذاری از منظر اهمیت نحوه بیان بازیگران سیاسی برای تأثیرگذاری بر ذهن مخاطبان می‌نگرد تا از این طریق بتوانند برای سیاست‌های خود حامیانی پیدا کنند (پیرس، اسمیت-والتر، پیترسون، ۲۰۱۴)؛ برای تغییر در اذهان عمومی، کمتر پرداختن به جزئیات سیاست لازم است و بیشتر تعریف یک قصه خوب (نجم‌الهدی و یزدانی زازرانی، ۲۰۲۱). چارچوب تحلیل روایت خطمشی از دو بُعد شکل و محتوا تشکیل شده است (جونز، مکبث، ۲۰۱۰). شکل روایت دارای مؤلفه‌های زمینه، شخصیت، پی‌رنگ و پیام اخلاقی است (جونز، مکبث، شاناهان، ۲۰۱۴). زمینه بستری است که مسئله خطمشی در آن پدید می‌آید. شخصیت‌ها بازیگرانی هستند که در روایت خطمشی نقش‌آفرینی می‌کنند و به سه دسته قربانی، شرور و قهرمان طبقه‌بندی می‌شوند (جونز و دیگران، ۲۰۱۴). قربانی شخصیتی است که در اثر رویدادهای داستان آسیب دیده است. شرور شخصیتی است که زیان را ایجاد می‌کند (جونز و دیگران، ۲۰۱۴). قهرمان فردی است که اقدام‌هایی را برای دفع بلا انجام می‌دهد (صمیمی، پاشایی فخری، و عادل‌زاده، ۱۴۰۰). پی‌رنگ نقشه اقداماتی است که روابط بین شخصیت‌ها و زمینه را تعیین می‌کند. اخلاقیات نیز به جنبه‌های اخلاق حرفه‌ای راهکارهای پیشنهادی خطمشی در پی‌رنگ می‌پردازد (پروین و همکاران، ۲۰۲۲). درنهایت، با تحلیل رفتار شخصیت اصلی، باید به راه‌حلی نهایی برای حل مسئله دست یافت. در اینجا مؤلفه «پیام اخلاقی» مطرح است که به ارائه راه‌حل پرداخته و مخاطبان را به اقدام در جهت مشخص دعوت می‌کند. پیام اخلاقی ممکن است به اقدام مستقیم برای حل مسئله یا اقداماتی غیرمستقیم برای زمینه‌سازی حل آن دلالت داشته باشد (نجم‌الهدی و یزدانی زازرانی، ۲۰۲۱).

بعد محتوایی روایت خطمشی، نظام باورها و راهبردهای روایتگری را در بر می‌گیرد. نظام باورها مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اعتقادات است که جهت‌گیری اشخاص، گروه‌ها، ائتلاف‌ها و جوامع را مشخص می‌کند (شاناهان، جونز، مک‌بث، ۲۰۱۸). راهبردهای خطمشی نیز بیانگر شیوه‌هایی است که روایتگر خطمشی را شکل می‌دهد. برای شناسایی راهبردها، محقق می‌تواند الگوهایی را جست‌وجو کند که در حین روایت تکرار می‌شوند و دال بر یک واقعیت ساخته‌شده هستند. صاحب‌نظران تاکنون سه راهبرد را شناسایی کرده‌اند (نجم‌الهدی و یزدانی زازرانی، ۲۰۲۱):

۱. راهبرد دامنه موضوع: هدف بازیگران از به‌کارگیری این استراتژی این است که اگر در موضع شکست قرار دارند، ابعاد مسئله را بزرگ جلوه داده و مانع تصویب سریع آن سیاست شوند. در مقابل، اگر احساس کنند سیاست آن‌ها در حال اتخاذ است، سعی می‌کنند دامنه مسئله را کوچک نشان دهند و بر پرهیزنه بودن یا به‌صرفه نبودن راهکارهای دیگر تأکید کنند تا ادامه بررسی‌ها متوقف شود و سیاست آن‌ها اجرایی شود.

۲. راهبرد روابط علی: عناصر یک روایت به‌گونه‌ای چیدمان می‌شوند که یک دلیل مشخص برای مسئله مطرح، به‌عنوان عامل در ذهن مخاطبان نقش ببندد.

۳. راهبرد شیطان/فرشته‌پنداری: در این استراتژی، بازیگران روایت‌ها را چنان تعریف می‌کنند که نیت، رفتار و تأثیر اقدامات رقیب به شکل منفی بزرگ‌نمایی می‌شود (شیطان‌سازی). در مقابل، شخصیت قهرمان را به‌گونه‌ای مثبت تعریف می‌کنند که گویی فرشته‌ای توانا در حل کامل مشکلات است. براساس این استراتژی، می‌توان نشان داد راوی تا چه اندازه شخصیت ظالم یا قهرمان را درشت‌نمایی می‌کند (مک‌بث، شاناهان، آرنل، هاتاوی، ۲۰۰۷).

خطمشی حجاب پس‌ا اعتراضات ۱۴۰۱

اغتشاشات فتنه‌گونه پاییز ۱۴۰۱ که با بهانه فوت یک شهروند و با شعار «زن، زندگی، آزادی» آغاز شد، دارای اضلاع و ابعاد متعددی است. این اتفاقات منجر به شکل‌گیری تغییرات فراوانی، هم در لایه‌های درونی و هم مظاهر بیرونی جامعه نیز می‌شود. ازجمله این تغییرات را می‌توان در وضع پوشش بانوان دنبال کرد. ماهیت تغییرات پوشش پس‌از غائله ۱۴۰۱ تفاوت‌های روشنی نسبت به پیش‌از آن دارد. حجاب به‌مثابه کنشی اجتماعی، از سویی تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی سیاسی و اقتصادی است و از سوی دیگر، متأثر از کنشگران اجتماعی در سال‌های پس‌از انقلاب، به دلیل آسیب‌پذیری درونی جامعه و تهدیدهای بیرونی، یکی از معضلات مهم کشور

کم‌رنگ شدن تدریجی فرهنگ عفاف و حجاب بوده است. از مهم‌ترین عوامل مشکل‌ساز در این سطح، «اختلاف‌نظر خط‌مشی‌گذاران و مجریان عرصه مدیریت مواجهه با بدحجابی» است که خود دلایل متعددی دارد (امامی، باقری کنی، و لطفی، ۱۳۹۵).

روش پژوهش

روش تحلیل مضمون

این تحقیق با عنوان تحلیل روایت خط‌مشی حجاب در ایران، به شناسایی و کشف ائتلاف‌های روایی خط‌مشی حجاب پس از حوادث سال ۱۴۰۱ می‌پردازد. بر همین اساس، از روش تحلیل مضمون اسناد یا سخنرانی‌های دفاع‌کننده از خط‌مشی استفاده می‌شود. گری و جونز چارچوب تحلیل روایت خط‌مشی را کاملاً متناسب با روش‌های کیفی دانسته‌اند (گری، جونز، ۲۰۱۶). تحقیق کیفی تلاش دارد تا موارد عینی را با توجه به خاص بودن ویژگی‌های زمانمند و محلی‌شان مطالعه کند و این کار را از مطالعه اظهارات و اعمال افراد در متن موضعی که در آن جای دارند، آغاز می‌کند (فلیک^۱، ۱۳۸۸). در همین راستا، برای تحلیل داده‌های این پژوهش از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. روش تحلیل مضمون رویکردی در تحلیل داده‌های کیفی است که با بررسی و سازمان‌دهی داده‌ها، امکان ارائه آن‌ها به صورت دقیق و مشروح را فراهم می‌سازد (براون کلارک، ۲۰۰۶).

در این پژوهش، ابتدا داده‌های پژوهش شامل مصوبه‌ها، بیانیه‌ها، تصمیم‌های خط‌مشی (بعد از شهریور ۱۴۰۱) استخراج شد. مطابق با این داده‌ها، تلاش شد روایت‌ها و مؤلفه‌های موجود در آن شامل پی‌رنگ، زمینه، شخصیت و راهبرد که در خط‌مشی‌های مواجهه با بی‌حجابی حضور داشت تحلیل شده و در نرم‌افزار اکسل ثبت گردد.

روش نمونه‌گیری در این تحقیق عبارت است از نمونه‌گیری هدفمند یا تعمدی^۲. فلیک این شیوه را عمدتاً در چارچوب نظرات پاتون^۳ و در تقابل با نمونه‌گیری تصادفی تبیین می‌کند (فلیک، ۱۳۸۸). داده‌های پژوهش شامل مصوبه‌ها، بیانیه‌ها، تصمیم‌های خط‌مشی متبلور در سخنرانی‌های مقامات کشور (بعد از شهریور ۱۴۰۱) و نیز گروه‌ها و احزاب، ما را به دو رویکرد کلی رهنمون می‌کند:

1. Flick Uwe
2. Purposive Sampling
3. Michael Quinn Patton

۱. رویکردی که منفعت عمومی را در حفظ و گسترش حجاب در جامعه می‌داند.

۲. رویکردی که در پی کسب منفعت اختصاصی از گسترش بی‌حجابی در جامعه است.

متناسب با دو رویکرد مطرح‌شده، ۹ منبع به‌عنوان داده‌های پژوهش انتخاب و پس از مطالعه، جدول تحلیل مضمون شامل مضامین اصلی و فرعی برای هریک تهیه شد. در مرحله بعد، مؤلفه‌های شکلی و محتوایی هر بخش، براساس چارچوب تحلیل روایت خطمشی استخراج و در جدولی خلاصه شد. ابعاد بررسی‌شده شامل زمینه، شخصیت‌ها (قهرمان، قربانی و شرور)، خطمشی، استراتژی، پی‌رنگ و پیام اخلاقی است. در مرحله بعد، روایت موجود در داده‌ها با استفاده از این ابعاد استخراج شد. برخی متون مانند اسناد قانونی، خطمشی‌های رسمی و ابزارهای اجرا را تعیین می‌کنند. در مقابل، متونی مانند روایت‌های میدانی یا تحلیل‌های انتقادی، با داده‌های عینی، خطمشی‌های موجود را به چالش می‌کشند. همچنین، برخی متون به اقدامات نیروهای اجتماعی یا سیاسی می‌پردازند که با بسیج منابع یا فشار، در پی تغییر یا تضعیف خطمشی‌های جاری هستند.

مطابق با رویکردهای خطمشی حجاب، اسناد انتخابی و مورد مطالعه در پژوهش حاضر

عبارت‌اند از:

ردیف	عنوان	توضیح
۱	یادداشت «مسئله حجاب، واقعیت‌ها و راهکارها»؛ با مقدمه سید محمد خاتمی («مسئله حجاب، واقعیت‌ها و راهکارها»، ۱۴۰۲)	۱۴۰۲/۵/۸
۲	بیانیه زنان اصلاح‌طلب («بیانیه ائتلاف احزاب زنان اصلاح‌طلب در واکنش به بازگشت گشت‌های ارشاد به خیابان‌ها»، ۱۴۰۳)	۱۴۰۳/۲/۳
۳	بیانیه وزارت کشور («بیانیه وزارت کشور درخصوص مسئله حجاب»، ۱۴۰۲)	۱۴۰۲/۱/۱۰
۴	بیانیه جامعه مدرسین («بیانیه جامعه مدرسین در حمایت از اقدامات قانونی و حقوقی فراجا»، ۱۴۰۳)	۱۴۰۳/۱/۲۷
۵	بیانیه راهبردی حوزه حجاب و پوشش (تهیه‌شده در شورای تخصصی حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی)	۱۴۰۲
۶	طرح قرارگاه زیست عقیقانه (تهیه‌شده در شورای فرهنگ عمومی کشور)	۱۴۰۱/۱۱
۷	بیانیه شورای عالی انقلاب فرهنگی («بیانیه شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره حجاب»، ۱۴۰۱)	۱۴۰۱/۱۰/۱۸

ردیف	عنوان	توضیح
۸	خط‌مشی موجود در بیانات مقام معظم رهبری - دیدار ائمه جمعه سراسر کشور (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱ الف) - مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱ ب) - دیدار اقشار مختلف بانوان (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱ ج)	۱۴۰۱
۹	لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب (۱۴۰۳)	این لایحه در شهریور ۱۴۰۳ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

یافته‌ها

هریک از اسناد سیاستی، به پشتوانه روایت‌های کلانی که به‌صورت آشکار یا پنهانی و درضمن خود دارند، وضعیت آرایش بازیگران و نیروهای اجتماعی را به‌نحوی بازتولید می‌کنند که به نتیجه مطلوب خود دست یابند. از آنجاکه عمده نزاع‌ها در موضوع حجاب پس از سال ۱۴۰۱، بر سر کشف حجاب سر است، در تحقیق حاضر، پس از استخراج روایت خط‌مشی هریک از داده‌ها، نتایج زیر حاصل شد.

گونه‌شناسی ائتلاف‌های روایتی

۱. روایت «جامعه پویا، حاکمیت ایستا»: این روایت با تأکید بر گسترش مدرنیته، به تحول جامعه ایران از یکدستی به تکثر فرهنگی اشاره داشته و با استناد به مرگ مهسا امینی و وقایع پس از آن، شکاف عمیق بین حکومت و جامعه در مسئله حجاب را نماد ناهماهنگی تحولات اجتماعی با سیاست‌های حکمرانی می‌داند. متن، اجباری بودن حجاب را ناهم‌خوان با خواست اکثریت جامعه خوانده و آن را عامل دین‌گریزی و تنفر اجتماعی قلمداد می‌کند. نویسنده با اشاره به تبعیض علیه زنان، ادامه این روند را تهدیدی برای بحران مشروعیت و پایه‌های مردمی حکومت می‌داند. راه‌حل پیشنهادی درک تحولات اجتماعی، بازنگری در سیاست‌ها و استفاده از نظر نخبگان است. این روایت باوجود استفاده از الفاظی چون تنوع سلاقی، تکثر و رجوع به عرف، در نهایت، به رهاسازی مسئله بی‌حجابی در جامعه منجر خواهد شد.

۲. روایت «اقدام انتظامی، ایجاد بی‌اعتمادی»: ^۱ این روایت به بحران‌های داخلی و تصویر بین‌المللی ایران اشاره کرده و انتقاد می‌کند که برخورد خشن و انتظامی با حجاب، به جای حل مشکلات، تنش‌های اجتماعی را تشدید و وجهه ایران را تضعیف کرده است. این روایت با استناد به آموزه‌های اسلامی، رویکرد موجود را در تضاد با ارزش‌های دینی دانسته و آن را ناکارآمد و موجب بی‌اعتمادی عمومی، تضعیف اقتدار ملی و حتی دین‌گریزی می‌داند. این روایت خواستار تجدیدنظر در شیوه‌های حکمرانی و اولویت دادن به راهکارهای فرهنگی و غیرخسونت‌آمیز است. این روایت به صراحت مخالف برخورد قانونی با بی‌حجابی است.

۳. روایت «بی‌حجابی، یک توطئه سازمان‌یافته»: ^۲ این روایت خانواده و حجاب را از ارکان هویت ایرانی-اسلامی دانسته که همواره هدف دشمنان خارجی بوده است. حرکت‌هایی چون «چهارشنبه‌های سفید» و اعتراضات پس از مرگ مهسا امینی، توطئه‌ای سازمان‌یافته از سوی سرویس‌های خارجی و عناصر داخلی معرفی می‌شود که با شعار «زن، زندگی، آزادی»، در پی تضعیف هنجارهای دینی بودند. این روایت تأکید دارد اکثریت مردم خواستار جامعه‌ای عقیف هستند و از برخورد با هنجارشکنان حمایت می‌کنند. همچنین از قانونی بودن حجاب دفاع کرده، اقناع نسل جوان را مؤثرترین راهکار می‌داند و هرگونه حرکت به سمت آزادسازی حجاب را توطئه دشمن می‌داند و رد می‌کند.

۴. روایت «حجاب، جزء لاینفک هویت ایرانی-اسلامی»: ^۳ این روایت با استدلال‌های ملی، دینی و امنیتی، حجاب را ضرورتی فرهنگی و شرعی می‌داند و آن را هم‌زمان بخشی از هویت ایرانی و واجب اسلامی قلمداد می‌کند. این روایت هشدار می‌دهد بی‌حجابی نتیجه جنگ ترکیبی دشمن علیه ارزش‌هاست و به فساد اجتماعی می‌انجامد؛ از قانونی بودن حجاب دفاع کرده، آن را هم‌سو با هویت ایرانی-اسلامی می‌داند و مقابله با اقدامات ترکیبی دشمن را ضروری می‌شمارد.

۵. روایت «بی‌حجابی نشانه ناکارآمدی»: ^۴ این روایت به تحلیل پیچیدگی‌های مسئله حجاب در جمهوری اسلامی می‌پردازد و اشاره می‌کند که حجاب به موضوع نمادین و پرچالش تبدیل شده که نظام نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. روایت با اشاره به سیر نزولی رعایت حجاب

۱. «بیانیه ائتلاف احزاب زنان اصلاح‌طلب در واکنش به بازگشت گشت‌های ارشاد به خیابان‌ها»، ۱۴۰۳.

۲. «بیانیه وزارت کشور درخصوص مسئله حجاب»، ۱۴۰۲.

۳. «بیانیه جامعه مدرسین در حمایت از اقدامات قانونی و حقوقی فراجا»، ۱۴۰۳.

۴. «بیانیه راهبردی حوزه حجاب و پوشش» تهیه‌شده در شورای تخصصی حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی.

در جامعه و افزایش مظاهر ضد حجاب، به انتقاد از رویکردهای نامشخص و متناقض حاکمیت می‌پردازد که بین تعریف حجاب به‌عنوان یک امر شرعی، هویتی یا کنترل اجتماعی مردد است. این روایت بر این نکته تأکید دارد که سیاست‌های فعلی عمدتاً متکی بر برخوردهای انتظامی و پسینی بوده و فاقد راهبردهای پیشگیرانه و فرهنگی است. در نهایت، پیشنهاد می‌کند با تشکیل یک نهاد فراقوه‌ای مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی و تمرکز بر پروژه‌های محدود و عملیاتی (به‌جای سیاست‌های کلی و بلندمدت)، بتوان فاصله بین تصمیم‌گیری و اجرا را کاهش داد و با هماهنگی بین نهادهای مختلف، به راه‌حلی کارآمد برای این مسئله اجتماعی-فرهنگی دست‌یافت. این روایت خط‌مشی موجود حجاب را نقد و راهکار اصلاحی میانه را مطرح می‌کند، اما نتیجه مشخصی را که بیانگر قانونی کردن حجاب و یا رهاسازی آن باشد دنبال نمی‌کند و بیشتر به سمت اصلاح رویکرد قانونی کردن موجود گرایش دارد و با نفی محدودسازی شرعی صرفاً انتظامی، به دنبال جایگزینی آن با مدل حکمرانی تلفیقی و با پشتوانه نهاد فرا قوه‌ای هماهنگ‌کننده است.

۶. روایت «اختلال در الگوی زیست عقیفانه»:^۱ این روایت به تحلیل پیچیدگی‌های مدیریت مسئله حجاب پس از حوادث مهسا امینی پرداخته و سه راهکار را بررسی می‌کند: (۱) ادامه سیاست‌های فعلی (کاهش سرمایه اجتماعی)، (۲) آزادسازی کامل حجاب (تضاد با هویت اسلامی)، و (۳) راهکار میانه «راهبردهای زیست عقیفانه». این روایت با رد دو گزینه اول، بر گزینه سوم تأکید دارد که شامل هوشمندسازی سیاست‌ها با محوریت خانواده، تقویت کنترل اجتماعی، اصلاح نظام مد و تمرکز بر مقابله با «تن‌نمایی آشکار» (به‌جای حجاب حداقلی) است. نتیجه این روایت، محدودسازی هوشمندانه با پشتوانه اجتماعی است؛ نه با آزادسازی کامل موافق است و نه محدودسازی شرعی با روش‌های موجود. اجرای این راهکار از طریق تغییر میدان از اجبار پلیس به کنترل اجتماعی و هوشمندسازی برخوردها (با تمرکز بر تن‌نمایی) حاصل خواهد شد.

۷. روایت «حجاب، نماد مقاومت فرهنگی و تمدنی»:^۲ این روایت با رویکردی تاریخی-اعتقادی، حجاب را نماد هویت اسلامی-ایرانی و مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی غرب معرفی می‌کند. با اشاره به کشف حجاب اجباری پهلوی و قیام گوه‌رشاد، حجاب را فراتر از تکلیف شرعی، عاملی برای حفظ کرامت زن و استقلال فرهنگی می‌داند. این روایت با تأکید بر نقش زنان در انقلاب و

۱. «طرح قرارگاه زیست عقیفانه» تهیه‌شده در شورای فرهنگ عمومی کشور.

۲. «بیانیه شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره حجاب»، ۱۴۰۱.

دفاع مقدس، حجاب را ضامن خانواده و ارزش‌های اخلاقی دانسته و مخالفت غرب با آن را پروژه‌های استعماری برای تضعیف هویت اسلامی-ایرانی قلمداد می‌کند. درنهایت، از نهادها می‌خواهد با تبیین منطقی احکام و پرهیز از برخوردهای افراطی، نسل جوان را به رعایت این فریضه ترغیب کنند. این روایت از الگوی محدودسازی شرعی با رویکرد فرهنگی و تشویقی حمایت کرده و بر حفظ چارچوب‌های شرعی با جایگزینی ابزارهای تبیینی به جای برخوردهای قهری تأکید دارد.

۸. روایت «مهار هنجارشکنی با سرمایه اجتماعی ضعیف‌الحجاب»:^۱ این روایت با رویکردی جامع به حجاب، چند دلالت سیاستی دارد: نخست بر وجوب شرعی حجاب تأکید کرده و آن را فاقد شبهه می‌داند. دوم، با تعریف جدیدی از دین‌داری زنان ضعیف‌الحجاب، از آن‌ها سرمایه اجتماعی ساخته و از مجرم‌شماری کثیر شهروندان پرهیز می‌کند و نیز زمینه برخورد با هنجارشکنان را فراهم می‌سازد. این روایت با ذکر نمونه‌های موفق زنان محجبه، حجاب را نه مانع پیشرفت، بلکه بخشی از هویت مستقل زنان ایرانی در برابر غرب معرفی می‌کند. حوادث ۱۴۰۱ نیز صرفاً داخلی نبوده و ریشه در خارج از مرزها دارد. نتیجه این روایت، خط‌مشی ترکیبی از تأکید بر اصل حجاب به‌عنوان ضرورت شرعی و پرهیز از برخورد تند با کم‌حجابان است که به محدودسازی شرعی هوشمندانه می‌انجامد.

۹. روایت «نجات خانواده در چارچوب حفظ امنیت ملی»:^۲ این روایت نهاد خانواده را قربانی اصلی می‌داند و آن را در معرض تهدیدی سازمان‌یافته توصیف می‌کند. این روایت با نسبت دادن بحران به توطئه دشمنان خارجی و گسترش دامنه موضوع به امنیت ملی، خواستار بسیج تمامی دستگاه‌های حاکمیتی برای مقابله است. با تقسیم وظایف میان نهادها و تعیین تکالیف هر بخش، الگویی از حاکمیت آمرانه ارائه می‌دهد که در آن، حاکمیت به‌عنوان قهرمان نجات‌بخش خانواده تصویر شده است.

۱. خط‌مشی موجود در بیانات مقام معظم رهبری

۲. لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب، ۱۴۰۳.

در جدول زیر روایت‌های خط‌مشی به همراه عناصر هریک آمده است.

ردیف	روایت خط‌مشی	زمینه	شخصیت			پی‌رنگ	پیام اخلاقی	استراتژی
			قهرمان	شور	قربانی			
۱	جامعه پویا، حاکمیت ایستا	۱. جامعه متکثر و تحول‌یافته ۲. کشور بحران‌زده ۳. حاکمیتی حاکمرانی ناکارآمد	۱. نخبگان و صاحب‌نظران ۲. افراد و نهادهای مدنی	حاکمیت	جامعه زنان	۱. فهم درست مبانی دینی ۲. فرهنگ‌سازی از طریق نهادهای مدنی ۳. عدم ایستادگی در برابر خواسته‌های متعارف جامعه	تحول در شیوه‌های حکمرانی در مسئله حجاب نسبت به تحولات اجتماعی؛ خروج از دایره اجبار بر مقوله حجاب شرعی متناسب با عرف پوشش	۱. توسعه دامنه موضوع (از حجاب به بحران‌های ساختاری) ۲. روابط علی (جمود حکمرانی علت مسئله) ۳. شیطان / فرشته‌پنداری (حاکمیت / نخبگان)
۲	اقدام انتظامی، ایجاد بی‌اعتمادی	جامعه درگیر با انواع مشکلات و بحران‌های داخلی و خارجی	اتلاف احزاب زنان اصلاح‌طلب	نیروی انتظامی به‌ویژه گشت ارشاد	دختران و زنان ایرانی	۱. توجه به شرایط بحرانی کشور ۲. توجه به تصویر ایران در افکار عمومی ۳. حفظ کرامت زنان و دختران	توقف برخورد‌های انتظامی در مواجهه با مسئله حجاب	۱. توسعه دامنه موضوع (از حجاب به بحران‌های فراگیر) ۲. روابط علی (اقدامات نیروی انتظامی) ۳. شیطان / فرشته‌پنداری (نیروی انتظامی / زنان)
۳	بی‌حجابی، یک توطئه سازمان‌یافته	حجاب به‌عنوان یک ارزش اجتماعی و از پایه‌های تمدنی ملت ایران	بانوان باحجاب و افراد ضعیف‌الحجاب	دشمنان خارجی و هنجار شکنان داخلی	ملت ایران خاصه بانوان و دختران	۱. صیانت از زیست عقیقانه ۲. تحکیم خانواده ۳. آگوسازی زن مقاوم ۴. پیشبینی از کنشگران ۵. تبیین و افناع فرهنگی	تبیین، تشویق مقاومت بانوان و برخورد با هنجارشکنان	۱. توسعه دامنه موضوع (تعریف حجاب به‌عنوان امری شرعی، اجتماعی و تمدنی) ۲. روابط علی (جنگ شناختی دشمن علت بی‌حجابی) ۳. شیطان / فرشته‌پنداری (دشمنان / زنان)
۴	حجاب، جزء لاینفک هویت ایرانی-اسلامی	حجاب، پدیدهای است نمادین دارای عمق هویتی-تاریخی، وجوب شرعی، ضرورت اجتماعی و تحت هجمه دشمنان	۱. فرماندهی انتظامی و مجریان قانون مراجع، علما و اندیشمندان متعهد جریان‌های مردمی مروج پوشش اسلامی	دشمنان دین و اندیشه اسلامی و معارضان انقلاب اسلامی	۱. جامعه اسلامی افراد بی حجاب	۱. شناخت جنگ ترکیبی دشمن ۲. کاربست رسانه در مقابله با فتنه‌انگیزی ۳. تبیین و ترویج فرهنگی حجاب ۴. اجرای دقیق و فراگیر قانون ۵. تقویت مردمی‌سازی ترویج پوشش اسلامی ۶. اقدامات قاطعانه و مستمر در حفظ حجاب	اقدامات قاطع و مستمر تبیین ضرورت اجرای قوانین بازدارنده بی‌حجابی	۱. توسعه دامنه موضوع (تعریف حجاب به‌عنوان امری شرعی، اجتماعی، هویتی و تاریخی) ۲. روابط علی (بی‌حجابی و فتنه ترکیبی / آسیب‌های فردی و اجتماعی) ۳. شیطان / فرشته‌پنداری (دشمنان املن‌زمان حجاب)

ردیف	روایت خط‌مشی	زمینه	شخصیت			پی‌رنگ	پیام اخلاقی	استراتژی
			قهرمان	شروع	قربانی			
۵	بی‌حجابی نشانه ناکارآمدی	زمینه‌های حاکمیتی، جهانی، نخبگانی و مردمی وضع موجود حجاب	حاکمیت جمهوری اسلامی	۱. فرهنگ غرب و نظام سرمایه‌داری چریان روشنفکری ضد حجاب	۱. جامعه ایران به‌ویژه زنان ارزش‌های دینی و هویت اسلامی ۲. اتخاذ رویکرد فعالانه ۳. تجمیع ظرفیت‌های حاکمیتی، مردمی و نخبگانی ۴. بازآرایی نیروها در کلان‌حوزه‌ها ۵. پرهیز از تکرر سیاست‌ها و قوانین	۱. چارچوب‌بندی اصلاحات با تمرکز بر تزلزل خانواده و انقلاب جنسی ۲. اتخاذ رویکرد فعالانه ۳. تجمیع ظرفیت‌های حاکمیتی، مردمی و نخبگانی ۴. بازآرایی نیروها در کلان‌حوزه‌ها ۵. پرهیز از تکرر سیاست‌ها و قوانین	تشکیل قرارگاه حجاب و پوشش مبتنی بر چرخش‌های تحول‌آفرین نظری، رویکردی، مدیریتی، سازمانی و پروژه‌ای در آن	۱. توسعه دامنه موضوع (حجاب) پیچیده و پربسامد تمدنی ۲. روابط علی (بی‌حجابی و انقلاب جنسی)
۶	اختلال در الگوی زیست عقیقانه	۱. حجاب امری پیچیده و نمادین ۲. تمرکز دشمن در فتنه مهسا بر روی مسئله حجاب ۳. ناکارآمدی سیاست‌های فعلی	قرارگاه زیست عقیقانه و راهبردهای آن	جریان‌های ضد دین و ضدانقلاب در داخل و خارج کشور	زنان و دختران بدحجاب و تن‌نما نظام مد، بدن و اراستگی عمومی با دسترس‌پذیری ۶. توسعه کنشگری مردمی هوشمند و نظارت اجتماعی بر قانون عفاف و حجاب	۱. چرخش گفتمانی به‌سوی خانواده و امنیت اجتماعی-جنسی ۲. تمرکز بر نقطه متفاهم اجتماعی ۳. اجرای قاطع و قابل‌دفاع در انظار عمومی ۴. هوشمندسازی و هدفمندسازی سیاست‌های انتظامی و قضایی ۵. تحول در نظام مد، بدن و اراستگی عمومی با دسترس‌پذیری ۶. توسعه کنشگری مردمی هوشمند و نظارت اجتماعی بر قانون عفاف و حجاب	اصلاح نظام حکمرانی بر مبنای تفکیک، تقبیح و کنترل افراد تن‌نما و برجسته‌سازی زیبایی زیست عقیقانه (تقبیح اجتماعی برای تشدید کنترل اجتماعی)	۱. توسعه دامنه موضوع (بی‌حجابی) یک چالش تمدنی و دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی، حکمرانی (حکمرانی) روابط علی (بی‌حجابی و آسیب‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی) ۳. شیطان/ فرشته‌پنداری (جریان‌های داخلی و خارجی ضد دین و انقلاب/ وفاداران به انقلاب و برخی نهادها)

ردیف	روایت خط مشی	زمینه	شخصیت			پی‌رنگ	پیام اخلاقی	استراتژی
			قهرمان	شور	قربانی			
۷	حجاب، نماد مقاومت فرهنگی و تمدنی	غرب بعد از رنسانس که تنها خود را متقدم می‌داند و ملت ایران که به دنبال دستیابی به استقلال همه‌جانبه است.	زن ایرانی	تمدن غرب	زن و خانواده غربی و ایرانی	۱. مواجهه هوشمندانه و واقع‌بینانه با بی‌حجابی ۲. اجرای مسئولانه وظایف قانونی نهادها ۳. تبیین دیدگاه اسلام و قانون درباره زن و حجاب ۴. مدیریت هنجارشکنی‌ها بدون افتادن در دوگانه‌سازی و بازی غرب	تبیین حجاب و تقویت مبانی اعتقادی زنان و مواجهه هوشمندانه با هنجارشکنان	۱. توسعه دامنه موضوع (حجاب به مثابه حکمی شرعی و تمدنی در مقابل تجدید غربی، نماد استقلال فرهنگی، عامل حفظ بنیان خانواده) راهبرد روابط علی (برهنگی با فروپاشی خانواده/ حجاب با استقلال/ پوشیدگی با شیطان‌سازی (غرب و رسانه‌های غربی و مدعیان آزادی غربی) و فرشته‌پنداری (اسلام و ایران و شورای عالی انقلاب فرهنگی)
۸	مهار هنجارشکنی با سرمایه اجتماعی ضعیف الحجاب	حضور مقتدرانه زنان ایرانی در میدان‌های مختلف	زنان جامعه	دشمنان اسلام و ایران	جامعه اسلامی و افراد ضعیف الحجاب	۱. رد شبهات مربوط به ضرورت شرعی حجاب ۲. بازتعریف وضعیت دین‌داری زنان ۳. تضعیف الحجاب تقویت وحدت جامعه در مقابل دشمنان	چرخش از مسئله حجاب به تضعیف اقتدار کشور به عنوان هدف نهایی دشمن و انتقاد نسبت به نحوه نگاه جامعه نسبت به افراد ضعیف الحجاب	۱. توسعه دامنه موضوع (حجاب به مسئله استقلال ملی و چالش تمدنی) ۲. روابط علی (دشمنی دشمنان و موفقیت زنان محجبه) شیطان‌سازی دشمنان و معاندان و فرشته‌سازی افراد باحجاب و بدحجاب‌هایی که حجاب را رها نکردند.
۹	نجات خانواده در حفظ امنیت ملی	اولویت بالای حفظ ارزش‌های دینی در جامعه اسلامی	حافظان ارزش‌های اسلامی و دینی	مروجان بی‌عفتی	زنان و خانواده‌ها	۱. ضرورت رعایت قانون ۲. تعیین جرائم و مجازات‌ها و نحوه برخورد با متخلفان ۳. تشریح وظایف نهادها در ترویج سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور ۴. هماهنگ‌سازی سازوکارهای اجرایی و نظارتی	ترویج سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور و مقابله با مظاهر بی‌عفتی	۱. توسعه دامنه موضوع (حجاب به مساله پروژه حکمرانی و امنیت ملی) روابط علی (بی‌عفتی ← تهدید بنیان خانواده ← نقض اصول قانون اساسی) فرشته‌سازی ساختاری (ستاد امر به معروف، سازمانهای مذهبی مردم نهاد) و شیطان‌سازی (کانونهای عمومی آسیب‌زا، مراکز ترویج فحشا)

گونه‌شناسی تجویزهای سیاستی ائتلاف‌ها

تحلیل روایت داده‌های پژوهش حاکی از آن است که از منظر نتیجه خطمشی، دو دسته اصلی روایت خطمشی وجود دارد. دسته اول مخالف قانونی بودن حجاب است و دسته دوم، موافق با قانونی بودن آن.

مخالفین قانونی بودن حجاب

تحلیل دسته اول روایت‌ها شامل روایت «جامعه پویا، حاکمیت ایستا»^۱ و روایت «اقدام انتظامی، ایجاد بی‌اعتمادی»^۲ این دسته از روایت‌ها با استفاده از استراتژی توسعه دامنه موضوع، مسئله حجاب را با بزرگ‌نمایی، به بحران‌های ساختاری کشور پیوند زده و به رهاسازی مسئله بی‌حجابی منجر می‌شوند. این روایت‌ها، با تمرکز بر بزرگ‌نمایی چالش‌ها، تصویری از جامعه‌ای آشفته ارائه می‌دهند که در آن، زنان و دختران قربانی و دستگاه حکمرانی در نقش شرور بازنمایی می‌شوند. این دو روایت، با برجسته‌سازی تقابل «قربانی» و «نظام حاکم»، ضمن تثبیت گفتمان ایران بحرانی، مسئله بی‌حجابی را بی‌اهمیت جلوه داده و تصمیم‌گیری درباره قانونی بودن حجاب را از اولویت خطمشی‌گذار حذف می‌کنند. در این روایت‌ها، از استراتژی شیطان‌سازی حاکمیت و فرشته‌پنداری نخبگان (روایت اول) و فرشته‌پنداری زنان (روایت دوم) استفاده شده است.

موافقین قانونی بودن حجاب

دسته دوم روایت‌ها (شامل روایت سوم تا روایت نهم)، به صورت کلی موافق قانونی بودن حجاب هستند، اما هر کدام از روایت‌های این دسته با یکدیگر اشتراکات و اختلافاتی نیز دارند. به نکات پیرامون این دسته از روایت، در ذیل اشاره می‌شود:

۱. تحلیل این هفت روایت نشان می‌دهد در همه آن‌ها، دشمنان (داخلی و خارجی) به عنوان شرور و جامعه ایران به‌ویژه زنان، به عنوان قربانی معرفی شده‌اند. بنابراین در بیشتر این روایت‌ها، شاهد شیطان‌سازی دشمنان و فرشته‌سازی جامعه زنان یا حاکمیت هستیم. همچنین نقطه تعارض اصلی در این روایت‌ها، میان مردم و حاکمیت از یک سو و دشمنان داخلی و خارجی از سوی دیگر ترسیم شده است.

۱. «مسئله حجاب، واقعیت‌ها و راهکارها»، ۱۴۰۲.

۲. «بیانیه ائتلاف احزاب زنان اصلاح‌طلب در واکنش به بازگشت گشت‌های ارشاد به خیابان‌ها»، ۱۴۰۳.

۲. لازم به ذکر است روایت «بی حجابی، یک توطئه سازمان یافته»، «حجاب، نماد مقاومت فرهنگی و تمدنی» و «مهار هنجارشکنی با سرمایه اجتماعی ضعیف الحجاب» زنان جامعه را به عنوان قهرمان معرفی کرده، اما روایت «حجاب، جزء لاینفک هویت ایرانی-اسلامی»، «بی حجابی نشانه ناکارآمدی»، «اختلال در الگوی زیست عقیقانه» و «نجات خانواده در چارچوب حفظ امنیت ملی» با برخورداری از نگاه‌های حاکمیتی، دستگاه‌های خط‌مشی‌گذار را به عنوان قهرمان معرفی کرده‌اند.

۳. در این دسته از روایت حجاب، حجاب به عنوان یک ارزش نمادین دینی، دارای هویت تاریخی-اجتماعی و از پایه‌های تمدنی ملت ایران معرفی شده است. لذا از جهتی می‌توان گفت این روایت‌ها از استراتژی توسعه دامنۀ موضوع از مسئلۀ حجاب که به ظاهر امری شخصی است، به یک امر اجتماعی، هویتی و تمدنی بهره برده‌اند.

۴. در روایت «مهار هنجارشکنی با سرمایه اجتماعی ضعیف الحجاب» شاهد توصیفی منحصر به فرد هستیم که در هیچ یک از روایت‌های موافق یا مخالف قانونی شدن حجاب دیده نمی‌شود. این روایت بر این اصل استوار است که خط‌مشی‌گذاری موفق نیازمند توافق جمعی است و بدون پذیرش عمومی، بهترین سیاست‌ها با شکست مواجه می‌شوند. این روایت میان عمل و اعتقاد تفکیک قائل شده و ضعف در عمل را به معنای بی‌اعتقادی یا مخالفت با اسلام نمی‌داند، چرا که اگر نظام سیاسی هر فرد کم حجاب را بی‌دین بداند، ممکن است شکاف دولت و مردم افزایش یابد. سایر روایت‌ها اگرچه به اجماع‌گرایی و پرهیز از دوقطبی اشاره داشتند، اما راهبردی برای تحقق آن ارائه ندادند. در عین حال، این روایت ضمن تأکید بر ضرورت شرعی حجاب، تعریف جدیدی از دین‌داری زنان ضعیف الحجاب ارائه کرده و آنان را جزئی از جامعه دینی قلمداد می‌کند تا زمینه اصلاح تدریجی فراهم شود. این موضع، نه صرفاً حکمی فقهی، که روایتی دقیق با لحاظ واقعیت‌های اجتماعی است که هدف آن کاهش تنش‌ها، حفظ انسجام ملی و احیای ضرورت شرعی و قانونی حجاب است.

۵. روایت «اختلال در الگوی زیست عقیقانه»، همچون روایت «مهار هنجارشکنی با سرمایه اجتماعی ضعیف الحجاب»، تلاش دارد در نقطۀ اجماع حداکثری قرار گیرد، اما برخلاف روایت قبل که بر دین‌داری افراد ضعیف الحجاب تأکید دارد، این روایت بر تقیيع اجتماعی تن‌نمایی و نیمه‌برهنگی متمرکز است. روایت «مهار هنجارشکنی با سرمایه اجتماعی ضعیف الحجاب» با تأکید بر انسجام اجتماعی، پیامدهای مثبتی به همراه دارد، در حالی که روایت «اختلال در الگوی زیست

عقیقانه»، با تمرکز بر محکومیت اجتماعی افراد تن‌نما، به جای ایستادن بر نقاط وفاق عمومی، بر گسل‌های اجتماعی می‌ایستد و به جای ایجاد هم‌بستگی، به تشدید شکاف‌ها دامن می‌زند.

جمع‌بندی و بحث

در مجموع، آنچه گذشت نشان می‌دهد که خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، به دلیل ماهیت پیچیده، چندلایه و معنابنیاد خود، قابل تقلیل به الگوهای کلاسیک و عقلایی خط‌مشی‌گذاری نیست. تجربه سیاست‌های فرهنگی در ایران به روشنی حاکی از آن است که رویکردهای اثبات‌گرایانه، شاخص‌محور و کمی، توان تبیین و حل تعارضات فرهنگی را ندارند و نادیده گرفتن منطق خاص فرهنگ، به ناکارآمدی خط‌مشی‌ها منجر می‌شود. از این منظر، ضرورت بازاندیشی در مبانی روش‌شناختی مطالعه خط‌مشی فرهنگی و حرکت به سوی چارچوب‌هایی متناسب با اقتضائات فرهنگی جامعه ایران بر جسته می‌شود.

تحلیل روایت خط‌مشی به عنوان یکی از رویکردهای راهبردی، امکان فهم نحوه صورت‌بندی مسائل، اقناع اجتماعی و جهت‌دهی به کنشگران را فراهم می‌سازد. با گسترش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، فرهنگ به بستر نامرئی اما تعیین‌کننده تمامی سیاست‌ها تبدیل شده است، به گونه‌ای که حتی سیاست‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی، بدون در نظر گرفتن لایه‌های فرهنگی، با مقاومت اجتماعی یا شکست اجرایی مواجه می‌شوند. از این رو، توسعه مدل‌ها و چارچوب‌های تحلیلی که بتوانند نقش فرهنگ را در تمامی مراحل خط‌مشی‌گذاری -از تعریف مسئله تا اجرا و ارزیابی- تبیین کنند، یک ضرورت اساسی در حکمرانی فرهنگی محسوب می‌شود.

در سطح تجربی، بررسی مداخلات سیاست فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه نقش مقام معظم رهبری به عنوان عالی‌ترین خط‌مشی‌گذار، افق جدیدی را پیش‌روی پژوهش‌های سیاست فرهنگی می‌گشاید. تمرکز بر روایت‌سازی‌های ایشان در موضوعات فرهنگی نشان می‌دهد که در موارد متعددی، زمانی که ابزارهای متعارف خط‌مشی‌گذاری کارایی لازم را نداشته‌اند، روایت‌های سیاستی توانسته‌اند معادلات فرهنگی را بازتعریف کرده و زمینه پیشبرد اهداف کلان فرهنگی را فراهم آورند. این امر مؤید آن است که روایت، نه صرفاً ابزار ارتباطی، بلکه خود یک سازوکار مؤثر خط‌مشی‌گذاری در حوزه فرهنگ است.

با وجود این، خلأهای پژوهشی قابل توجهی باقی است، از جمله فقدان چارچوب‌های بومی و نظام‌مند برای تحلیل روایت خط‌مشی فرهنگی، کمبود مطالعات تطبیقی و تجربی مبتنی بر داده‌های

کیفی عمیق، و ضعف در پیوند میان نظریه، روش و عمل خطمشی گذاری فرهنگی. همچنین نیازمند توسعه روش های میان رشته ای هستیم که بتوانند فرهنگ را نه به عنوان متغیر حاشیه ای، بلکه به مثابه منطق مسلط خطمشی گذاری تحلیل کنند. پرداختن به این کاستی ها می تواند مسیر پژوهش های آینده را به سوی تولید دانش کاربردی و ارتقای کارآمدی سیاست فرهنگی در سطح حکمرانی هموار سازد.

منابع

۱. آقایی، مجید، ۱۴۰۰، *تماشای روایت*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. آقایی میبدی، فروغ، ۱۳۹۲، پیش درآمدی بر مطالعه روایت و روایت پژوهی، *کهن نامه/دب پارسی*، ۸(۴)، ۲۰-۱.
۳. امامی، سید مجتبی، باقری کنی، مصباح الهدی، لطفی، سجاد، ۱۳۹۵، گونه شناسی ذهنیت های خطمشی گذاران و مجریان درباره مدیریت مواجهه با بدحجابی در ایران؛ پژوهشی مبتنی بر روش شناسی کیو، *راهبرد فرهنگ*، ۳۳(۹)، ۷-۴۰.
۴. امیری، مجتبی، فرهنگی، علی اکبر، پورعزت، علی اصغر، غلام پور راد، مسعود، ۲۰۱۲، شناسایی یک خط پی رنگ جدید در روایت های خطمشی عمومی، با استفاده از چارچوب روایت خطمشی، به منظور پیش بینی تغییرات خطمشی عمومی در ایران، *مدیریت دولتی*، ۴(۱۱)، ۳۱-۵۴.
۵. بیانیه ائتلاف احزاب زنان اصلاح طلب در واکنش به بازگشت گشت های ارشاد به خیابان ها. (۱۴۰۳)، ۳ اردیبهشت). بازیابی ۱۹ بهمن ۱۴۰۴، از <https://B2n.ir/jm3377>
۶. بیانیه جامعه مدرسین در حمایت از اقدامات قانونی و حقوقی فراجا. (۱۴۰۳)، ۲۷ فروردین).
۷. بیانیه شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره حجاب. (۱۴۰۱، ۱۸ دی). بازیابی ۲۰ بهمن ۱۴۰۴، از hamshah-
rionline.ir/x8fw4
۸. بیانیه وزارت کشور در خصوص مسئله حجاب. (۱۴۰۲، ۱۰ فروردین). بازیابی ۱۹ بهمن ۱۴۰۴، از <https://B2n.ir/hf6859>
۹. پایگاه اطلاع رسانی شورای نگهبان. (۱۴۰۳، ۱۱ شهریور). لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب. بازیابی ۲۰ بهمن ۱۴۰۴، از <https://www.shora-gc.ir/0002WE>
۱۰. پروین، نیما، فانی، علی اصغر، دانایی فرد، حسن، نیری، شهرزاد، ۲۰۲۲، گونه شناسی روایت های خطمشی دولت ایران در مواجهه با بیماری ناشی از ویروس کرونا، *مدیریت دولتی*، ۱۴(۱)، ۵۳-۷۳.
۱۱. رودی، فائزه، ۱۳۸۹، روایت فلسفی روایت، از باستان تا پست مدرن، تهران، علم.
۱۲. صمیمی، سعیده، پاشایی فخری، کامران، عادل زاده، پروانه، ۱۴۰۰، واکاوی شخصیت «طوبا» در *رمان طوبا و معنای شب*، بر مبنای «مثالث کارپمن»، پژوهش های بین رشته ای ادبی، ۵(۳)، ۲۴۴-۲۷۴.

۱۳. غلام‌پور راد، مسعود، ۲۰۱۵، نقش رسانه در تغییرات خط‌مشی عمومی با استفاده از چارچوب‌بندی رسانه و تحلیل روایت خط‌مشی، پژوهش‌های ارتباطی، ۲۱(۸۰)، ۳۷-۶۰.
۱۴. فتوحی، محمود، ۱۳۷۸، فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، کتاب ماه ادبیات، ۲۲(۲)، ۱۵-۱۷.
۱۵. فلیک، اووه، ۱۳۸۸، درآمدی بر تحقیق کیفی، (هادی جلیلی، مترجم)، تهران، نشر نی.
۱۶. قلی‌پور، رحمت‌اله، دانایی فرد، حسن، امیری، علی‌نقی، عطاردی، محمدرضا، ۱۳۹۴، مفهوم‌پردازی پدیده شکاف خط‌مشی در فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، مجلس و راهبرد، ۸۱(۲۲)، ۹۱-۱۲۶.
۱۷. مسئله حجاب، واقعیت‌ها و راهکارها. (۱۴۰۲، ۸ مرداد). بازیابی ۱۹ بهمن ۱۴۰۴، از <https://B2n.ir/uz9589>
۱۸. مقام معظم رهبری. (۱۴۰۱، الف، ۵ مرداد). بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور. بازیابی از <https://khl.ink/f/50689>
۱۹. مقام معظم رهبری. (۱۴۰۱، ب، ۱۱ مهر). بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح. بازیابی از <https://khl.ink/f/51048>
۲۰. مقام معظم رهبری. (۱۴۰۱، ج، ۱۴ دی). بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور. بازیابی از <https://khl.ink/f/51655>
۲۱. نجم‌الهدی، سید احسان، یزدانی زازرانی، محمدرضا، ۲۰۲۱، چارچوب تحلیل روایت سیاست: درک و کاربرد تحلیل روایت در پژوهش‌های سیاست‌گذاری عمومی، سیاست‌گذاری عمومی، ۷(۱)، ۲۱۵-۲۳۴.
22. Braun, Virginia; & Clarke, Victoria., 2006, Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
23. Gray, Garry; & Jones, Michael D., 2016, A qualitative narrative policy framework? Examining the policy narratives of US campaign finance regulatory reform, *Public Policy and Administration*, 31(3), 193-220.
24. Jones, Michael D.; & McBeth, Mark K., 2010, A narrative policy framework: Clear enough to be wrong? *Policy Studies Journal*, 38(2), 329-353.
25. Jones, Michael D.; McBeth, Mark K.; & Shanahan, Elizabeth A., 2014, Introducing the narrative policy framework. In *The science of stories: Applications of the narrative policy framework in public policy analysis* (pp. 1-25), Springer.
26. McBeth, Mark K.; Shanahan, Elizabeth A.; Arnell, Ruth J.; & Hathaway, Paul L., 2007, The intersection of narrative policy analysis and policy change theory, *Policy Studies Journal*, 35(1), 87-108.
27. Pierce, Jonathan J.; Smith-Walter, Aaron; & Peterson, Holly L., 2014, Research

design and the narrative policy framework. In *The science of stories: Applications of the narrative policy framework in public policy analysis* (pp. 27-44), Springer.

28. Shanahan, Elizabeth A.; Jones, Michael D.; & McBeth, Mark K., 2018, How to conduct a Narrative Policy Framework study. *The Social Science Journal*, 55(3), 332-345.

29. Shanahan, Elizabeth A.; Jones, Michael D.; McBeth, Mark K.; & Lane, Ross R., 2013, An angel on the wind: How heroic policy narratives shape policy realities, *Policy Studies Journal*, 41(3), 453-483.

30. Smith, Kevin B.; & Larimer, Christopher., 2018, *The public policy theory primer*, Routledge.